درباره‌ی مؤلف



برایان پیترسون در سی سال گذشته عکاسی موفق بوده است که برای مشتریان مشهوری چون کداک، امریکن اکسپرس، UPS، فیلیپس و سی‌تی بانک کار کرده و جوایز بین‌المللی زیادی نیز دریافت کرده است. او یکی از ادیتورهای مجله Popular Photography است و بیش از بیست سال است که عکاسی را آموزش می‌دهد. سبک خاص آموزش او که عملی و کاربردی است، کارگاه‌های آموزشی و کتاب‌های او را به شهرت رسانده است. اغلب او را به‌خاطر چهار کتاب مشهور و پرفروشش: «دانستنی‌های نورسنجی»، «دانستی‌های عکاسی دیجیتال»، «دید خلاقانه در عکاسی» و «فراتر از پرتره» می‌شناسند. کتاب حاضر، یکی از پرفروش‌ترین کتب برایان پیترسون است و تا کنون به زبان‌های زیادی ترجمه و منتشر شده است.

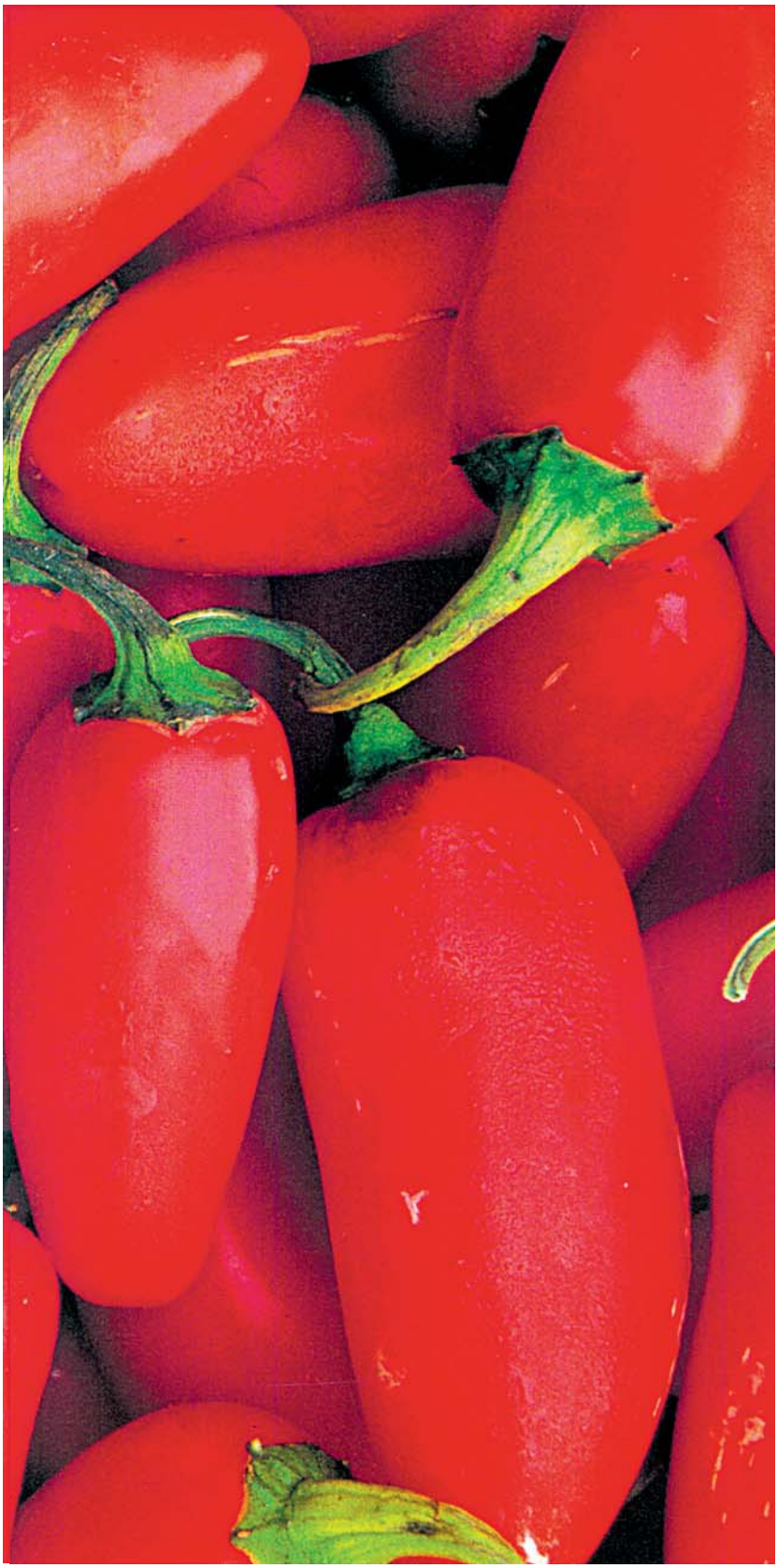
مقدمه‌ی مترجم

ایران یکی از کشورهایی است که بسیار زود و تقریبا در سال‌های ابتدایی اختراع عکاسی، پذیرای هنر عکاسی شد و سال‌هاست که عکاسی به عنوان یک رشته‌ی مستقل در دانشگاه‌ها و آموزشکده‌ها تدریس می‌شود. اما متاسفانه متون و کتب آموزشی در زمینه‌ی عکاسی، متناسب و درخور این قدمت و سابقه رشد نکرده و در زمینه‌ی تالیف و حتی ترجمه، نسبت به منابع موجود در دنیا، متون فارسی ناچیز است. بسیاری از کتبی نیز که سال‌ها پیش به همت بزرگان و استادان پیشکسوت عکاسی به نگارش درآمده، با توجه به سرعت رشد تکنولوژی عکاسی و تغییرات شگرف آن در ده سال گذشته، امروز نیاز به بازنگری و تغییرات اساسی دارد. توجه به این نیاز و علاقه‌ی شخصی به هنر عکاسی و چند سال تجربه در زمینه‌ی ترجمه و تالیف مقالات مختلف عکاسی در اینترنت و مهم‌تر از همه، پی‌گیری و اهتمام نشر محترم پشوتن، مرا به ترجمه‌ی این کتاب که کمبود آن در متون فارسی احساس می‌شد ترغیب کرد.

برخود لازم می دانم از پشتیبانی و بردباری همسر عزیزم دکتر فرشته شاهرخی، که با وجود هم‌زمانی ترجمه‌ی این کتاب با تولد فرزند دومم، شرایط مساعد برای انجام این کار را برایم مهیا کرد، تشکر کنم و این کتاب را به پاس حمایت‌های موثرش به او تقدیم می‌کنم. ضمنا از پی‌گیری و اهتمام سرکارخانم دوالریاستین برای انجام این کار و ویراستاری سلیس و امانت‌دارانه‌ی ایشان تشکر می‌کنم. امیدوارم که این کتاب که با عشق و علاقه به این کشور و مردم بردبار و سرافراز ایران آماده شده، مورد توجه و استفاده‌ی خوانندگان گرامی قرار گیرد و نظرات سازنده‌ی خود را برای بهبود کارهای بعدی از ما دریغ نفرمایند.

ای‌میل مترجم: shahbazi@gmail.com

ای‌میل ناشـر: info@pashootan.com



فهرست

مقدمه ۸

دید خود را توسعه دهید ۱۲
ما چگونه می‌بینیم؟ ۱۴
لنزهای زاویه باز ۱۸
لنز چشم ماهی کادر کامل ۲۴
زوم‌های خیابانی ۲۶
لنز تله‌فتو ۳۴
عکاسی ماکرو ۴۲

اجزاء دیزاین ۴۶
چه چیزی یک عکس را برجسته می‌کند؟ ۴۸
خط ۵۰
شکل ۵۶
فرم ۵۹
بافت ۶۲
الگو ۶۹
رنگ ۷۶

ترکیب‌بندی ۸۷
پرکردن کادر ۸۸
تقسیم‌بندی طلایی و قانون یک سوم‌ها ۹۲
بدون افق ۹۸
یک سوم راست ۱۰۰
قطرها ۱۰۲
کادر در کادر ۱۰۴
یادداشتی در مورد لبه‌های تصویر ۱۱۰
افقی یا عمودی ۱۱۰
تصویر در تصویر ۱۱۴
کار کردن بر روی سوژه ۱۱۸
شکستن قواعد ۱۲۴

جادوی نور ۱۲۸
نور موجود ۱۳۰
جهت نور ۱۳۴
رنگ نور ۱۳۶
روزهای ابری و بارانی ۱۳۹

عکاسی دیجیتال ۱۴۳
مزایا و معایب کلی دیجیتال ۱۴۴
استفاده از نرم‌افزار ویرایش عکس ۱۴۶

ملاحظات شغلی ۱۵۳
چه چیزی مهم است؟ ۱۵۴
مبارزه همیشگی، چرا؟ ۱۵۶
انتخاب یک موضوع ۱۵۸



مقــدمه

آیا آن‌چه را که من می‌بینم شما هم می‌بینید؟ آیا آن‌چه را که من می‌شنوم شما هم می‌شنوید؟ کریسمس است و کانال رادیویی که من به آن گوش می‌دهم، آهنگ‌های کریسمس را پخش می‌کند. آیا شما چیزی را که من می‌بینم، می‌بینید؟ شاید آری، شاید هم نه. حتی اگر شما دقیقا کنار من ایستاده باشید و من چیزی را ببینم که بخواهم شما را در دیدن آن شریک کنم، شما باز هم دقیقا آن را نخواهید دید و تنها چیزی که می‌بینید، تصویر یک لحظه‌ی آنی است. یک روز دختران من در آسمان متوجه یک



بالون هوای گرم شدند. من زمانی متوجه آن شدم که بالون تقریبا از دید خارج شده بود و به صورت یک نقطه در آسمان پهناور دیده می‌شد. مایه‌ی ناامیدی است که به دقت نگاه خود مطمئن باشیم. ارتباط این داستان با عکاسی چیست؟ این اتفاق قابل مقایسه با



عکاسی و نگاه خلاقانه است. همه‌ی ما که از نعمت بینایی برخورداریم می‌توانیم ببینیم، اما چرا کسی دقیقا در کنار ما می‌تواند چیز جالبی را ببیند، در حالی که ما تقریبا متوجه آن نمی‌شویم؟ اگر تا به حال در یک کارگاه عکاسی در طبیعت شرکت کرده باشید یا همراه یک دوست از کلوپ عکاسی برای عکاسی بیرون رفته باشید، می‌دانید که چه می‌گویم: شما سردرگم، درمانده و مبهوت ایستاده‌اید که ظرف چند دقیقه، یک نفر دیگر در یک متری شما دوربین و سه‌پایه‌اش را در می‌آورد و یک ترکیب گرافیکی زیبا از برگ‌های پاییزی می‌آفریند. شما با شگفتی آن صحنه را نگاه می‌کنید و سوالی را که رایج‌ترین سوال در کارگاه‌های عکاسی و سفرهای گروهی عکاسی است از خود می‌پرسید: «چرا من این را ندیدم؟».

این سوال می‌تواند پاسخ‌های مختلفی داشته باشد. ممکن است ذهن شما درگیر مشکلات کاری‌تان بوده است، یا این که احتمال دارد لباس شما مناسب آن منطقه نبوده و از سرما می‌لرزیده‌اید. ناتوانی در «دیدن»، احتمالا بزرگ‌ترین مشکلی است که هر عکاسی باید بر آن فایق آید. هر چند حتی زمانی که شما می‌توانید خوب ببینید ـ دیدن به معنای واقعی ـ با مشکل دیگری روبه‌رو خواهید شد: ترکیب‌بندی متوازن و یکدست تمام آن چیزهای زیبا.

من هیچ قانون واقعی را نمی‌شناسم که کسی با رعایت آن‌ها بتواند دیدن را یاد بگیرد. اما اصول و فنون بسیار زیادی بلدم که به دیدن شما کمک می‌کنند. هدف این کتاب این است که نه تنها روش تشخیص یک فرصت عکاسی را به شما بیاموزد، بلکه روش‌های محافظه‌کارانه‌ای را نیز که منجر به عکس‌هایی عادی و بی‌خاصیت می‌شود به چالش بکشد. بسیاری از مثال‌های کتاب، تصاویری دوتایی هستند که حالت قبل و بعد و همچنین ترکیب خوب و بهتر را به شما نشان می‌دهند. قطعا هدف این تصاویر این نبوده که ایده‌آل باشند، بلکه آن‌ها فقط حاصل برداشت من از منظره‌ای خاص در یک لحظه‌ی خاص از زمان هستند.

در سال‌های اخیر خیلی چیزها تغییر کرده که تا حد بسیار زیادی مدیون نوآوری‌های بسیار بزرگ صنعت عکاسی بوده است. این موضوع مرا به یاد یک سمینار آموزشی در سال ۱۹۹۰ می‌اندازد که به شوخی گفتم: من منتظرم که صنعت یک لنز زوم ۲۰-۴۰۰ میلی‌متری F۲.۸ با شیشه ED (اعوجاج بسیار کم) و فوکوس داخلی بسازد. هر چند هنوز هم چنین لنزی در بازار وجود ندارد، اما با اطمینان

می‌توانم بگویم که روزی چنین لنزی را خواهیم دید. امروز شما می‌توانید خانه را به قصد کوهستان یا ساحل ترک کنید و چیزی بیش از یک دوربین و دو لنز برندارید و در عین حال برای ثبت هر سوژه‌ای که سر راه‌تان قرار می‌گیرد آماده باشید، چه یک نمای نزدیک از یک پروانه باشد، چه یک خرس قهوه‌ای در دوردست و یا آن قرص بزرگ نارنجی‌رنگ شعله‌ور خورشید که در آسمان باختر غروب می‌کند. با توجه به پیشرفت‌های اپتیکی در زمینه‌ی لنزهای زوم، اکنون این لنزها رقیب و هم‌آورد جدی لنزهای محبوب و شارپ فاصله‌ی کانونی ثابت هستند.

هر چند مبارزه هنوز باقی است: برای پیشرفت دید شخصی‌تان باید واقعا تمرین کنید و نیز صرف‌نظر از میزان زوم یا کیفیت شارپنس لنزها، باید از دید لنزهایتان نیز کار بکشید. این کتاب، با استفاده از مثال‌هایی که تصورات شما را از بند آزاد می‌کند، ژرفای موضوع دید شخصی را ـ صرف‌نظر از تکنولوژی ـ مورد کاوش قرار خواهد داد. فرقی نمی‌کند که از فیلم استفاده می‌کنید یا همانند بسیاری از عکاسان که دیگر خودشان را با فیلم دردسر نمی‌دهند، همه چیز را دیجیتالی ثبت می‌کنید، واقعیت همان مثل قدیمی است: «هر چه چیزها بیش‌تر تغییر کنند، چیزهای بیش‌تری بی‌تغییر می‌مانند». حتی اگر من اولین کسی باشم که تغییرات را بپذیرم، استفاده از آن‌ها مساله‌ی جداگانه‌ای خواهد بود. اگر من بهترین و آخرین دوربین، لنز و برنامه‌ی ویرایش عکس را به کار بگیرم، بر آن عنصر حیاتی که یک تصویر عادی را از یک تصویر خارق‌العاده متمایز می‌کند تاثیر بسیار اندکی خواهد داشت: خلاقیت.

شاید بهترین تعریف خلاقیت آمیزه‌ای از نوآوری، تخیل، الهام و ادراک باشد. صنعت عکاسی هنوز نتوانسته دوربینی را عرضه کند که خودش به دنبال سوژه‌های جالب و منحصر به فرد بگردد. همچنین هنوز دوربینی نیامده که به شما در مورد دو ترکیب‌بندی دیگری که از منظره‌ی مورد عکاسی‌تان می‌توان انجام داد، تذکر دهد. هنوز هم دوربینی که قادر به شناسایی «لحظه‌ی قطعی» باشد، ساخته نشده است و دوربینی که بتواند قبل از گرفتن عکس دیجیتالی یا فیلمی، ترکیب‌بندی متوازن و یکدستی برای شما ایجاد کند وجود ندارد. این‌ها چالش‌هایی است که همچنان بخشی از



دنیای شگفت‌انگیز تصویرسازی خواهد ماند، چالش‌هایی که اساس موفقیت یا شکست است و مستقیما بر عهده‌ی شما خواهد بود. وقتی ویرایش قبلی این کتاب را می‌نوشتم، در فکرم یک هدف داشتم: شکستن این طلسم که هنر تصویرسازی متعلق به اقلیتی برگزیده است. بر اساس پاسخ‌های مثبت و قاطعی که در کارگاه‌ها و کلاس‌های آن‌لاین شنیده‌ام، و نیز در بسیاری از نامه‌ها و ای‌میل‌ها دریافت کرده‌ام، احساس می‌کنم که به هدفم رسیده‌ام. این ویرایشِ کاملا بازنویسی شده با تصاویر جدید، در تداوم شکستن این طلسم است. به علاوه، یک بخش در مورد رنگ در فصل «اجزاء عکاسی» اضافه کرده‌ام، که نه تنها به صورت کامل بر روی ارزش رنگ به عنوان یک جزء دیزاین بحث می‌کند، بلکه تاثیر آن بر ذهن و احساس ما را نیز بررسی می‌کند. و باز با استفاده از تصاویر مقایسه‌ای، ارزش تمرکز دید خود بر خط، شکل، فرم، بافت و الگو و قدرت بالای این اجزاء را در ایجاد ترکیب‌بندی‌های واقعا قدرتمند خواهید دید.

یادگیری نگاه خلاقانه تا حد زیادی به چیزهایی وابسته است که دوربین و لنز شما می‌تواند یا نمی‌تواند ببیند. ناخداهای کشتی‌ها برای درنوردیدن دنیا باید با نقشه‌هاشان آشنا باشند تا بتوانند با اطمینان، کشتی را در جهت درست هدایت کنند. به همین سیاق، لنزهای شما نقشه‌هایی هستند که می‌توانند شما را به سرزمین‌های سحرآمیز جدید راهنمایی کنند. با تمرین پیوسته، که با قرار دادن دوربین و لنز بر چشم‌هاتان به دست می‌آید، شما خواهید توانست دید منحصر به فرد هر لنز را ـ چه مثبت و چه منفی ـ به صورت تصویری به خاطر آورید. هر چه بیش‌تر این کار را انجام دهید، کم‌تر احتمال دارد که دنیا را دوباره همان طور که قبلا می‌دیدید، ببینید.

با این تمرینات دقیقا فرا خواهید گرفت که یک لنز زاویه باز چه ناحیه‌ی وسیعی را پوشش خواهد داد یا این که چگونه یک لنز تله‌فتو می‌تواند یک سوژه‌ی تک را از میان یک منظره‌ی شلوغ و گیج‌کننده بیرون بکشد و نشان دهد. زمان زیادی طول نمی‌کشد که خودتان خواهید توانست بدون اضطراب تصمیم بگیرید که در فرصت‌های عکاسی مختلف از چه لنزهایی باید استفاده کنید.

سپس می‌توانید این دید نویافته را ارتقا دهید و خودتان را برای دیدن جنگل از دید یک قورباغه، دیدن شهر از نقطه دید پیاده‌رو یا دیدن حیاط پشتی‌تان از نقطه دید لانه‌ی یک سینه‌سرخ تمرین دهید. (نردبان را فقط برای رنگ زدن خانه نساخته‌اند!) در پای یک درخت صنوبر بر پشت بخوابید و نقطه‌ی دید سنجابی را نشان دهید که لحظاتی پیش از آن بالا دویده است. دوربین را روی شانه جاده تنظیم کنید و نمایی را که یک کامیون بزرگ می‌بیند عکاسی کنید. ترکیب‌بندی شبیه به این، به طور مثال، این نکته را برای بیننده کاملا روشن می‌کند که چرا برای شورای شهر، ساختن یک زیرگذر کوچک برای اردک‌هایی که هر بهار از این جاده بزرگ عبور می‌کنند، این قدر اهمیت دارد. این که ترکیب‌بندی شما چه قدر مناسب شود، دستورالعملی جادویی ندارد، بلکه به آگاهی از انتخاب لنز، نقطه‌ی دید، اجزاء طرح و چیدمان نهایی یا ترکیب‌بندی شما بستگی دارد. تمام این‌ها، همان طور که گفتم «نقشه‌هایی» هستند که به مطالعه نیاز دارند. بعضی نسبت به بقیه، نیاز به مطالعه‌ی بیش‌تری دارند. دراین تمرینات، هم بیم و هم تصورات قبلی شما به چالش کشیده خواهد شد. اگر شما از ارتفاع می‌ترسید، چگونه خواهید توانست نقطه دید لانه‌ی سینه‌سرخ را به دیگران نشان بدهید؟ اگر فکر دراز کشیدن روی پیاده‌رو برای‌تان ناراحت‌کننده است، چگونه خواهید توانست نمای یک پیاده‌رو شلوغ را به تصویر بکشید؟ شما قطعا دیر یا زود به موانعی برخورد خواهید کرد و حتی ممکن است احساس کنید که در مواقعی مجبورید کار را متوقف کنید.

این کاملا عادی و مورد انتظار است و به همین دلیل، تمرین‌های ویرایش جدید کتاب برای کمک به پشت سر گذاردن موانع و بازگشت به ادامه‌ی کار، دیزاین شده‌اند. قطعا زمان‌هایی وجود دارد که هوا بد است یا نور نامناسب است و یا موضوع‌های محدودی به عنوان سوژه در دسترس است؛ اما این تمرین‌ها قطعا این طلسم را که «چیزی برای عکاسی وجود ندارد» خواهد شکست.

مطالب بسیار زیادی در این کتاب است که نشان می‌دهد یک تصویرسازی موفق، چگونه، در کجا و چرا حاصل می‌شود. این یک کتاب در مورد ایده‌هاست، ایده‌هایی که در ذهن تمام ما جریان خواهد یافت. هدف من این است که به شما در کسب این آگاهی کمک کنم که کجا ماهی بگیرید، چگونه جرأت تور انداختن را به دست آورید و قدرت بالاکشیدن صید و چیدن محصول این ایده‌ها را داشته باشید. این کتاب، در مورد نحوه‌ی نوردهی درست یا تنظیم درست دیافراگم یا سرعت شاتر نیست. چنین اطلاعاتی را می‌توانید در کتاب‌های آموزش نوردهی بیابید.

بیش از هر چیز، سعی کنید از مطالب کتاب لذت ببرید و ذهن خود را با این پیش‌فرض پر نکنید که «باید کار را دقیق انجام دهم». طی این سال‌ها اگر تنها یک چیز باشد که از شاگردان و دوستانم آموخته باشم، این است که هیچ فرمول و دستورالعملی در حرفه‌ی تصویرسازی وجود ندارد. در این حرفه، همه چیز به مشاهده و فکر مربوط است. همان طور که هنری دیوید توریو (Henry David Thoreau) گفت: «مسأله این نیست که به چه چیزی نگاه می‌کنید، بلکه این است که چه می‌بینید».